

تاریخ نقد جدید

(جلد اول)

رنه ولك

ترجمہ سعید ارباب شیرانی



انتشارات نیلوفر

فهرست

۹	پیشگفتار مترجم
۱۳	رنه و لك: زندگی و آثارش
۱۹	تأملاتی درباره تاریخ نقد جدید
۳۱	پیشگفتار
۳۵	مقدمه
۴۹	فصل اول: نئوکلاسیسیسم و گرایشهای تازه زمان
۷۱	فصل دوم: ولتر
۸۹	فصل سوم: دیدرو
۱۰۷	فصل چهارم: دیگر منتقدان فرانسوی
۱۲۵	فصل پنجم: دکتر جانسن
۱۵۵	فصل ششم: منتقدان کهنتر انگلیسی و اسکاتلندی
۱۸۷	فصل هفتم: نقد ایتالیایی
۲۰۱	فصل هشتم: لسینگ و پیشینیان او
۲۳۵	فصل نهم: اشتورم/اوند در انگ و هردر
۲۶۱	فصل دهم: گوته
۲۸۹	فصل یازدهم: کانت و شیلر
۳۱۹	کتاب شناسیها و یادداشت‌های مؤلف
۴۰۴	فهرست آثار به ترتیب زمانی
۴۱۰	تعلیقات و توضیحات مترجم
۴۵۷	واژه نامه
۴۷۱	فهرست نامها
۴۸۲	فهرست موضوعی

رنه ولك: زندگی و آثارش

رنه ولك را بحق یکی از برجسته‌ترین و پرکارترین نظریه‌پردازان و مورخان نقد ادبی در این قرن دانسته‌اند. هاورد ممفورد جونز^۱، که خود از فضایی بنام امریکاست، گفته است که «در امریکا کسی به فضل ولك یافت نمی‌شود.» این اظهار نظر بازتابی است از صدها نقد ستایش آمیزی که در نشریات تخصصی امریکا و اروپا دربارهٔ ولك و آثار او، بویژه مجلدات چندگانه تاریخ نقد جدید، به چاپ رسیده است. نظری کوتاه به زندگی و آثار این منتقد و مورخ نقد ادبی دو عامل عمده را که از لوازم رسیدن به چنین موقعیت شامخی است مشخص می‌سازد: یکی پیشینهٔ خانوادگی او که زمینه را برای تسلط او بر زبانهای متعدد و آشنایی با جنبه‌های گوناگون فرهنگ و ادب مغرب زمین مهیا ساخت، و دیگری کوشش خستگی ناپذیر و سامانمند او در جهت نیل به اهدافی که گویی همواره در مد نظر داشته است. مارک شورر^۲، منتقد معروف امریکایی، ظاهراً همین عوامل را در نظر داشته که دربارهٔ تاریخ نقد جدید گفته است: «دانش، روش، استقلال رأی و بهره‌مندی از 'منظری بین المللی' — همه اینها دست به دست هم داده‌اند تا کتابی فراهم آورند که برای دهها سال در این موضوع یا آثار هر يك از افرادی که در آن مورد بحث قرار گرفته‌اند مرجعی معیار خواهد بود.»

رنه ولك در سال ۱۹۰۳ در وین — مهد بسیاری از اندیشه‌های معاصر در زمینهٔ روان‌شناسی و پزشکی و فلسفه و سیاست و هنر و موسیقی و ادبیات — به دنیا آمد. پدرش، برنیسلا و ولك، حقوق‌دانی اهل پراگ (چکسلواکی) و از خانواده‌ای کاتولیک و خرده‌بورژوا بود که به واگنر عشق می‌ورزید و دربارهٔ اپرا نقد می‌نوشت، ملیت پرستی پرشور، و مؤلف و مترجم اشعار شاعران چک بود. مادرش در رم به دنیا آمده بود و به زبانهای آلمانی و ایتالیایی و فرانسه و انگلیسی مسلط بود. پدر بزرگ مادری رنه ولك از اشراف پروس غربی بود و اصل و نسب لهستانی داشت. مادر بزرگ مادریش از پرستانهای سوئیس بود که، پس از

مرگ همسرش، همراه با پسر و دخترش به سفر دراروپا پرداخت. دروین، دخترش با برنیسلاوولک آشنا شد و کار آنها به ازدواج کشید و نتیجه این وصلت از جمله رنه بود.

این تنوع چشمگیر در پیشینه زبانی و فرهنگی و دینی و قومی خانواده و لك زمینه مناسبی برای شکوفایی استعداد کم نظیر طالب علم جوانی بود که تا هم اکنون که نودسال از عمرش می گذرد بی وقفه و ثابت قدم به دانش پژوهی پرداخته است. در سال ۱۹۷۸، شش سال پس از بازنشسته شدن و لك، در دانشگاه ییل مراسمی به مناسبت سالروز تولد او برپا شده بود. نظرش را درباره دوران بازنشستگی پرسیدند. استاد بلافاصله پاسخ داد: «خیلی خوب است، ولی دلم برای تعطیلات دانشگاهی تنگ می شود.» این گفته مبین پشتکاری است که از اوان کودکی در رنه و لك مشهود بوده است.

رنه در محیطی که از لحاظ زبانی و زیباشناسی و سیاسی و دینی غنی بود پرورش یافت. در دوران کودکی به خواندن کتاب علاقه ای سیری ناپذیر داشت. گهگاه شور کسب اطلاعات وسیع درباره موضوعهایی چون جغرافیا و علوم و دین و ادبیات و نبردهای مختلف، ذهن رنه نوجوان را تسخیر می کرد. از دهه سالگی به آموختن زبان لاتینی و از سیزده سالگی به فراگرفتن زبان یونانی پرداخت و، طی چند سال، اهم آثار بازمانده از تمدن یونان و روم را مطالعه کرد. در دبیرستان به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. پس از سقوط امپراتوری اتریش - هنگری در ۱۹۱۸، خانواده و لك به پراگ نقل مکان کردند. خود او گفته است که «چکسلواکیای پس از جنگ، بر اثر موقعیت جغرافیایی و زبان اسلاوونییایی و نزدیکی گرایش طبیعی اش به غرب، بیش از هر زمان دیگر در چهارراه تأثیرات فرهنگی قرار داشت.» رنه نوجوان در پراگ تحصیلات دبیرستانی خود را دنبال کرد و، علاوه بر دروس مصوب از جمله تاریخ و آثار ادبیات لاتینی و آلمانی و چک، در اوقات فراغت به مطالعه ادبیات انگلیسی و بویژه آثار شکسپیر و شاعران دوره رمانتیسیسم پرداخت.

در سال ۱۹۲۲ در دانشگاه چارلز در پراگ ثبت نام کرد و به تحصیل در رشته فقه اللغه ژرمنی مشغول شد. از هر یک از استادان نام آور آن دانشگاه علم اندوخت، ولی استقلال نظر خود را از دست نداد. در ۱۹۲۴ سفری دو ماهه به انگلستان کرد و مقدمات تحریر پایان نامه تحصیلی خود را زیر عنوان «تامس کارلایل و رمانتیسیسم»^۳ آماده ساخت. در همین سالها به نشر مقالاتی از جمله درباره بایرون و شلی و نیز نقد کتابهایی به زبانهای چک و انگلیسی و فرانسه و آلمانی دست زد. در ۱۹۲۶، در بیست و سه سالگی، نوشتن رساله خویش را به پایان برد و درجه دکتری خویش را در رشته فقه اللغه دریافت کرد.

و لك در ۱۹۲۷ به دانشگاه پرینستن در ایالات متحده رفت و در دروس برخی از استادان بنام آنجا شرکت کرد. پایان نامه اش درباره کارلایل او را به آثار و افکار کولریج و این آثار او را به نظریات کانت و شلینگ رهنمون شده بودند. از این رو و لك بر آن شد که رساله دوم (*Habilitation*) خویش را درباره تأثیر کانت بر فکر انگلیسی بنویسد. در راه بازگشت به پراگ، و لك در موزه بریتانیایی به بررسی دستنوشته های کولریج پرداخت و از استفاده های منصفانه و غیر منصفانه ای که او از نظرات کانت کرده بود متعجب شد.

ولك تحرير رسالهٔ دوم خود را با عنوان *امانوئل كانت در انگلستان: ۱۷۹۳-۱۸۳۸*^۴ در پاییز ۱۹۳۰ به اتمام رساند، امتحانات لازم را پشت سر گذاشت و استادش ماتسیوس^۵ ولك را برگزید تا هرگاه که خود او بازنشسته شود ولك کرسی استادی تاریخ ادبیات انگلیسی را اشغال کند.

ولك از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ در پراگ زیست. از اعضای گروه معروف به حلقهٔ زبان شناسی پراگ شد، رمانهایی از انگلیسی ترجمه کرد، به تدریس ادبیات انگلیسی پرداخت و در نشریات مختلف مقالاتی به زبانهای چک و انگلیسی و آلمانی منتشر ساخت. بسیار زود با آثار منتقدانی چون ریچاردز و لیوس^۶ و امپسن^۷ آشنا شد و به همکاری با نشریهٔ حلقهٔ زبان شناسی پراگ پرداخت. ولك که داشتن جهتی مشخص را از ضروریات تاریخ نویسی می دانست، در مقاله‌ای که در ۱۹۳۲ دربارهٔ «نظریات وردزورت و کولریج دربارهٔ زبان شعر»^۸ نوشت به جستجوی پیشینهٔ نظرات فرمالیستهای روسی و ساختارگرایان چک دست زد. در این دوره، مهارت خویش را در تحلیل متون و روش به ضابطه در آوردن نظریه و ارزیابی آثار بر مبنای شیوهٔ عقلی تقویت کرد. نظرات ویکتور شکولوفسکی^۹ و رومان یاکوبسن^{۱۰} و یان موکاروفسکی^{۱۱} و رومان اینگاردن^{۱۲} علاقهٔ وافر او را به خود جلب کرده بود.

چون دورنمای اشغال کرسی استادی در پراگ مبهم بود، ولك از ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۹ به عنوان مأمور وزارت فرهنگ چکسلواکی در دانشگاه لندن به تدریس زبان و ادبیات چک پرداخت. در همین سالها بود که مقالهٔ مهم خویش را زیر عنوان «نظریهٔ تاریخ ادبی» در سلسلهٔ تألیفات حلقهٔ زبان شناسی پراگ چاپ کرد.^{۱۳} ولك متذکر شده است که این نخستین بار بود که نظرات فرمالیستهای روسی و پدیده شناسی اینگاردن به زبان انگلیسی مطرح می شدند. در این مقاله با انباشتن محض داده‌ها دربارهٔ ادبیات و فروکاستن ادبیات به اطلاعات تاریخی مخالفت و در عوض از تمرکز حواس بر خود آثار هنری و پیل زدن بر ورطهٔ موجود میان شکل و محتوا جانبداری کرده است.

ولك در تابستان ۱۹۳۶ برای نخستین بار با لیوس ملاقات کرد. غالب دیدگاههای او با نظرات گروه منتقدان کیمبریج یکسان بود، اما ولك در نامهٔ مشهوری که در ۱۹۳۷ در مجلهٔ *Scrutiny* (نشریه‌ای که حدود سی سال زیر نظر لیوس به چاپ می رسید) منتشر کرد لیوس را متهم کرد که در کتاب ارزیابی مجدد^{۱۴} خود (۱۹۳۶) به آرمان مداری منبعث از افلاطون توجه کافی نکرده و انسجام و جامعیت منظر رمانتیکی را نسبت به جهان دست کم گرفته است. لیوس نیز بخطا پاسخ داد که ولك فیلسوفی تجربیدی است که نقد انضمامی و حساس را نمی تواند بخوبی درک کند. ولك هم پاسخ گفت که منظور او فقط نشان دادن این مطلب بوده که نقد ادبی که در جهتی برخلاف مسیر صحت اندیشه سیر کند اعتباری ندارد.

4. *Immanuel Kant in England: 1793-1838.* 5. Vilém Mathesius 6. F.R. Leavis
 7. William Empson 8. «Wordsworth's and Coleridge's Theories of Poetic Diction»
 9. Viktor Shklovsky 10. Roman Jakobson 11. Jan Mukařovsky
 12. Roman Ingarden 13. «Theory of Literary History,» in *Travaux du Cercle Linguistique de Prague*, (1936, pp. 173-181). 14. *Revaluation*